

مقدمه:

بی‌تردید رساله سیر و سلوک خواجه نصیرالدین طوسی جزء اسناد مهم در تاریخ فرهنگ ایران و زبان فارسی است. این رساله به‌رغم حجم به نسبت اندک خود، از نکته‌های مهمی برخوردار است که می‌تواند راهگشای برخی مسائل مبهم در تاریخ و فرهنگ ایران به ویژه در تاریخ اندیشه سیاسی، فلسفی و مذهبی باشد.

در این رساله، خواجه، رسیدن به حق و حقیقت را از طریق سلوک معنوی و ریاضت، به ویژه تعلیم، ممکن می‌داند و خود در طی یک سیر روحانی معنوی - که بی‌شبهت به سیر اگوستین قدیس در *اعترافات*، غزالی در *المنقذ من الضلال*، سنایی در *سیرالعباد*، داتنه در *کمدی الهی*، و تا حدودی ابوالعلاء در *رسالة الغفران* و ناصر خسرو در قصیده «رائیه» نیست - به حقیقت معرفت و معرفت حقیقی می‌رسد و بر برخی گفته‌های دیگرش در باب نحوه رسیدن به حق و سعادت، روشنایی می‌افکند و خواننده را در درک آنها مدد می‌رساند. اگرچه پیش‌تر، دو تحریر و چاپ متفاوت از این رساله، یکی توسط استاد محمدتقی دانش‌پژوه و دیگر به وسیله استاد محمدتقی مدرس رضوی ارائه گشته بود، اما به تازگی استاد ایرانی تبار دانشگاه آکسفورد لندن، جناب آقای دکتر سیدجلال حسینی بدخشانی چاپ جدید و جامعی از آن ارائه کرده‌اند و آن را در قالب کتابی خوش دست و خوش خوان، هدیه ارباب معرفت نموده‌اند. چاپ جدید این رساله و بازگرداندن کامل آن به زبان انگلیسی مزایایی دارد که به اختصار ذکر می‌گردد:

۱- بازگردان متن کامل رساله به زبان انگلیسی متقن و استوار.

۲- مقایسه و نقد انتقادی نسخه‌های موجود از این رساله که علاوه

بر نسخ قبلی که در اختیار دو استاد مرحوم بوده‌است؛ از نسخه‌های تازه یاب دیگری هم سود برده است.

۳- افزودن مقدمه‌ای مفصل، عالمانه و دقیق درباره سیر تحول این رساله و جایگاه آن در نظام فکری خواجه و بیان ارتباط او با اسماعیلیان و ذکر نکته‌های لازم و ضروری در باب مسائل مشکل متن.

۴- ارائه کتاب نامه‌ای (Bibliography) کامل همراه با فهرست اعلام، اماکن و اصطلاحات خاص.

۵- سنجش و تطبیق این رساله با دیگر رساله‌های مرتبط با این موضوع در آثار خواجه.

آنچه بر اهمیت و اعتبار این ترجمه و رساله می‌افزاید، مشارکت و همکاری استادان صاحب نام و دانشمندی است که این رساله و ترجمه را دیده‌اند و یا اصلاً آن را برای آماده‌سازی و چاپ و ترجمه، شایسته دانسته‌اند که از میان آنها می‌توان به پروفیسور هرمان لندلت (Herman Landolt) از دانشگاه مک‌گیل و پروفیسور محسن مهدی از دانشگاه هاروارد، استاد دکتر فرهاد دقتری از مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن و پروفیسور ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung) اشاره کرد. این کتاب در سال ۱۹۹۸ توسط انتشارات I. B. Tauris با همکاری Victoria House در لندن منتشر شده است و به‌رغم معرفی‌ها و نقدها و مرورهای (review) فراوان در باب آن، هنوز به جامعه فارسی زبان و ایرانی معرفی نشده است. نظر به اهمیت این رساله و ترجمه محکم و استوار آن به زبان انگلیسی و اعتباری که این کتاب در نزد صاحب‌نظران دارد؛ خلاصه‌ای از معرفی

سیر و سلوک

دکتر مهدی محبی

چندین نسخه دیگر سیر و سلوک که برای خود او شناخته شده بود سخن به میان آورده بود. به احتمال زیاد همه این متن‌ها - حتی از آن مدرس رضوی - براساس یک یا چند نسخه خطی زیر تصحیح و منتشر شده‌اند:

الف: نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۵۱۳۸/۶۱ به تاریخ ۱۰۵۷-۱۶۴۷/۱۱۰۲۴ و شماره ۵۰۶۲/۲ مورخ ۱۳۲۸/۱۹۱۰. این همان نسخه‌ای است که استاد نصرالله تقوی آماده و با دیگر نسخه‌ها مقابله کرده بود.

ب: نسخه دانشگاه تهران به شماره ۱۰۷۹/۵ تاریخ ۱۰۴۷/۱۶۳۷
ج: نسخه کتابخانه دانشکده حقوق که متن گفتار خواجه از آن گرفته شده است به شماره ۶۲/۱۹. این نسخه تاریخ ندارد.
د: نسخه استاد اصغر مهدوی به شماره ۳۶۴/۳۷ به تاریخ ۱۸۲۴/۱۲۴۰.

ر: نسخه کتابخانه ملک به شماره ۶۱۹۳/۸ به تاریخ ۱۸۶۲/۱۲۷۹
ل: نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۲۴۳/۱۰ که توسط آقای اسدالله منجم دودانگه هزار جریبی استتساخ شده است و به تاریخ ۱۸۸۸/۱۳۰۶ است.

و این کتاب هم چاپ جدید و مجددی از آن رساله است که هم با نسخه استاد مدرس رضوی مقابله شده و هم در تصحیح آن، دیگر آثار خواجه، همچون **روضه تسلیم**، **آغاز و انجام**، **تولا و تبرا** و **مطلوب المؤمنین**، پیش چشم بوده است. مبنای کار در نگارش و ویرایش آن براساس روش مقبول دایرةالمعارف اسلام (Encyclopedia of Islam) است به جز سه

نسخه‌ها و مباحث عمده کتاب به فارسی برگردانده می‌شود و به برخی ویژگی‌های آن اشاره می‌گردد:

۱- درباره متن

اگرچه سیر و سلوک - به شکل مرسوم - در فهرست نوشته‌های استاد البشر خواجه نصیر طوسی نیامده است؛ اما براساس سبک، محتوا و شواهدی که از زندگی خودنگاشت او و کتاب نگاران معاصر به دست می‌آید، می‌توان آن را از رشحات قلم خواجه دانست. این رساله نخست بار به صورتی خلاصه در سال ۱۳۳۴ ش (۱۹۵۶ م.) توسط استاد محمدتقی دانش‌پژوه، تحت عنوان «گفتاری از خواجه توسی به روش باطنیان» منتشر شد. و همزمان با آن - به مناسبت بزرگداشت هفتصدمین سال وفات خواجه - منتخب رسائل فارسی او توسط استاد محمدتقی مدرس رضوی با عنوان **مجموعه رسائل** منتشر گردید. چاپ مدرس رضوی بر اساس دو نسخه نسبتاً جدید بود: یکی نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات (مجموعه قزوینی) با تصحیح و ذکر نکات عمده دو محقق صاحب نام، سیدنصرالله تقوی و محمد قزوینی. و دیگر نسخه‌ای که استاد مدرس رضوی از یک متن کهن برای خود مهیا ساخته بود و در مقدمه آن از

حرف z, q, ch که در دایره المعارف به صورت C, k, dj نوشته می شود. ضمن آنکه قواعد رسم الخط فارسی معاصر لحاظ شده است و اغلاط مطبعی آن هم تصحیح گردیده است.

۲- مقدمات علمی

مصحح، بعد از معرفی نسخه، در قالب مقدمه ای فشرده و دقیق، به شناسایی خواجه و نوع ارتباطش با اسماعیلیه می پردازد و در این شناسایی علاوه بر کتب قدیم در ترجمه حال خواجه، از نویافته های «سیر و سلوک» هم مدد می گیرد و به درستی از نقش پدر خواجه در تکوین شخصیت علمی و عقلی او یاد می کند و به تأثیر معلمانی که این پدر برای تکوین ابعاد شخصیتی پسرش برگزیده بود، اشاره می نماید که از جمله آنها می توان کمال الدین محمد حاسب (شاگرد حکیم و شاعر پرآوازه افضل الدین کاشانی م: ۱۴۶۱-۱۲۱۳) را نام برد. همچنین مصحح از نقش رساله سیر و سلوک در ایفای گزارشی دقیق از سیر تعلیمات دینی و فلسفی خواجه یاد می کند؛ هرچند که این رساله را واقی برای درک جزئیات زندگی علمی به ویژه علم هیئت و ریاضیات خواجه نمی داند و منابع دیگر را برای شرح مسافرت های گسترده و بیان تدقیقات علمی و توضیح آشنایی های خواجه با آثار ابن سینا - مثل اشارات و تنبیهات و رسایل دیگر - لازم می شمارد. در این مقدمه، مصحح از آشنایی خواجه در ۱۷ یا ۱۸ سالگی با اثر مهم و فلسفی ابن سینا (الاشارات و التنبیهات) یاد می کند و نقش مهم فریدالدین داماد را باز می گشاید - که خود نکته ای جالب در شناخت احوال خواجه است - و به صورتی نسبتاً مفصل به شرح سلوک فکری - به ویژه سلوک کلامی و فلسفی - خواجه می پردازد و به صورتی دقیق و متقن، از دوین ها و رمیدن های خواجه در میدان علوم آرام بخش یاد می کند که هیچ کدام نهاد نا آرام او را رام ساخت تا اینکه در انتها گمشده خویش را یافت و دریافت و آرام گشت که این آرامش خود محصول دو نوع سیر آفاقی و انفسی او بود.

نویسنده پس از ذکر مقدمه به معرفی رساله سیر و سلوک می پردازد و در ابتدا این نکته را بازمی نماید که گزارش اطوار روحی و عقلی - گاه معتدل و گاه به افراط - امری متناوب و معمول میان همه نحل و مذاهب است. در هر شریعتی، اشخاص و روح های نام آور و بزرگی هستند که در طی یک سلوک روحانی از مرزها و حدود عالم مجاز می گذرند و به بطن و متن عالم حقایق دست می یابند. اگرچه هر کدام از این جان ها، سفر خویش را به گونه ای گزارش می دهند اما همگی در این نکته مشترکند که پس از تلاش و کوشش بسیار، گمگشتگی ها در شب و گمراهی ها در بیابان های بی فریاد، ستاره های از کران آسمانی برون می آید و دستگیرشان می شود و مرغ روحشان را در آشیانه حق می اندازد. از **اعترافات** سنت اگوستین در سنت مسیحی (فوت ۴۳۰ م. St. Augustine) تا **المنقذ من الضلال** غزالی (فوت ۵۰۵) و قصیده اعترافیه ناصر خسرو^۱ (فوت بعد از ۴۶۵) در شریعت اسلامی، همه جزئی از همین شیوه شناخت معرفتی هستند و رساله سیر و سلوک خواجه نیز باید در امتداد چنین سنتی درک و دریافت گردد.

در این نگاه، رساله سیر و سلوک خواجه، گزارش معراج روحانی و سفر معنوی اوست که - مثل بزرگان دیگر - بعد از گذشتن و گذاشتن ظواهر، آرام آرام به وادی حقیقت می رسد و از آن می گردد. به خاطر

اهمیت و ژرفای سخن خواجه در پایان این سلوک، عین کلام او را می آورم و نیز ترجمه دکتر بدخشانی را همراه آن ذکر می کنم تا اهل بصیرت با نوع کار مترجم و بازگردانی او آشنا گردند و منتهای سیر روحانی خواجه را هم دریابند.

خلاصه و نتیجه سلوک معنوی خواجه نصیر طوسی این است که: «القصه بنده کمترین را چون این صورت در ضمیر متمکن شد، بسیاری از فضولی و طلب مالا یعنی که پیش از این داشت از تتبع مذاهب و مقالات و تعصب در امر دیانات از سر بیرون شد... از مناقضت احوال اصحاب شریعت و منازعت اهل ظاهر با یکدیگر و چیزی که بدان سبب می یافت، به کلی زایل گشت. چون بدانست که همه مقالات از یک اصل منشعب شده است و همه باطل و مذاهب از یک شخص ظاهر شده و همه به جای خویش و به وقت خویش حق بوده و ما بیدئ الباطل و ما یعید. (صفحه ۱۹)

to be brief, once this form [of belief] had taken up its abode within me, much of the curiosity and pursuit of the irrelevant which I had before, when I would run after schools, opinions and confessional bigotry, was cast out... [and thus] all that resulted from the inconsistency in the attitudes of the followers of the "shariat" and the dispute between the exotericists, with its consequences, disappeared, because I realized that all opinions were branches of one root, that all were false, and that all religious doctrines have come from one source (shakhs) and they were all true in their own time and place: "Falsehood does not have a beginning, nor will it return" (p. 49-50)

در ادامه این بحث از دو شخصیت مهمی که خواجه از آنها سخن گفته - محمدین مظفر و محمدین موبد - سخن می آید و سپس ساخت و بافت رساله تحلیل می شود و در انتها کلمات خواجه در باب حقیقت و ضرورت تعلیم و نحوه رسیدن به معلم واقعی و چگونگی تشخیص او در روزگار، سخن به میان می آید و این نکته یادآوری می شود که برای درک حقیقت کلام خواجه باید به رساله مهم دیگر او یعنی روضه تسلیم دقت کرد و کل عناصر فکری خواجه را به گونه ای تطبیقی با دیگر آثار او دریافت و به ویژه خاستگاه تاریخی اندیشه او را در مقایسه با نوع تفکر حسن صباح و دعوت الموتیان در باب تعلیم دید و سنجید و هر دو را در ظرف ظهور تاریخی آنها تحلیل کرد که نکته ای لازم و ضروری در درک دستگاه فکری و رفتارشناسی تاریخی خواجه است.

در انتهای این بخش، نویسنده از رساله های دیگر خواجه که به نوعی مرتبط با آثار و افکار اسماعیلی است؛ سخن می گوید و تألیفات و نوشته هایی را که خواجه در عهد و در ذیل حاکمان اسماعیلی پدید آورده است معرفی می نماید.

مهم ترین این رساله ها عبارت اند از:

- **تولا و تبرا**

- **مطالب المؤمنین**

- **روضه تسلیم**

۳- یادداشت‌ها:

بعد از مقدمات علمی و متن ترجمه شده اثر، یادداشت‌ها و نکته‌های توضیحی و منابع و ماخذ و فهرست‌ها آورده شده است که از صفحه ۵۵ تا ۸۷ کتاب را شامل می‌شود و پاره‌ای از آنها مختص نکات مقدمه و برخی بر یادداشت‌های متن است.

در فحوای این نکته‌ها گه‌گاه به تدقیقات کلامی، فلسفی و بعضاً تاریخی مهمی - به ویژه در قسمت توضیح مطالب مربوط به شرح رساله **سیر و سلوک** (صفحه ۷۱-۶۶) - برمی‌خوریم. در کتاب نامه هم، آثاری که در تلویح این نکته‌ها به کار رفته است، آورده شده که در جای خود قابل توجه است و چیزی حدود ۶۰ کتاب و رساله مهم از جمله تقریباً تمامی آثار خواجه را در برمی‌گیرد. آخرین بخش انگلیسی کتاب به فهرست اعلام و کتب و اصطلاحات اختصاص یافته است (صفحات ۸۶-۷۸) که مجموعاً ۱۱۷ صفحه را در برمی‌گیرد. ۲۲ صفحه متن فارسی رساله، ۸۸ صفحه متن انگلیسی، ۹ صفحه مقدمات.

اشکال عمده کتاب، شاید در عدم ذکر مطالب مقدمه‌ها و نکات توضیحی به زبان فارسی (و یا زبان‌های شرقی دیگر) باشد؛ آنچه خواننده ایرانی و شرقی ناآشنا به زبان انگلیسی را از درک و فهم آنها محروم می‌سازد. شاید هدف مؤلف در تهیه این کتاب پاسخ به نیازهای مخاطبان انگلیسی زبان بوده است و نیازی بدین کار نمی‌دیده است. اما برآوردن نیاز آنها مانعاً الجمع با رفع نیاز دیگر خوانندگان نیست، و مسئله مهم دیگر عدم ارائه تصویری یا حداقل صفحه اول - از نسخه‌هایی است که مؤلف برای کتاب در این چاپ استفاده کرده است.

به هر تقدیر، آماده‌سازی و ترجمه و انتشار این کتاب، هم می‌تواند زبان فارسی را تا حدود زیادی در دنیا بیشتر مطرح سازد و هم می‌تواند دنیای انگلیسی زبان را با ژرفای مباحث معنوی و کلامی در فرهنگ اسلامی بهتر آشنا نماید به ویژه آنکه کتاب از نظر حجم و شکل و چاپ مناسب و متناسب درآمده است و مهر تأیید برخی از مهم‌ترین محققان حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی را هم بر پیشانی خود دارد.

پانویس‌ها:

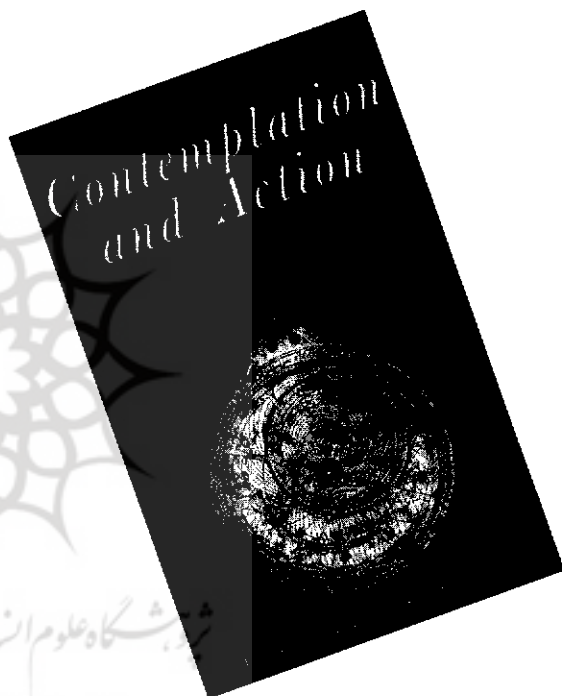
۱. به احتمال قریب به یقین، مراد نویسنده از قصیده اعترافیه ناصر خسرو باید این قصیده زیبا و پر نکته او باشد که ما از او با نام قصیده رائیه یاد کردیم:
ای خواننده بسی علم و جهان گشته سراسر

تو بر زمی و از برت این چرخ منور
در این قصیده ناصر خسرو به زبانی گیرا و دلربا، سیر روحانی خود را در قالب سفری زمینی شرح می‌دهد و می‌گوید بعد از آنکه نکته‌ها آموختم و خوشه‌ها اندوختم و هیچ کدام آرامم نساخت: بر خاستم از جای و سفر پیش گرفتم / نژ خاتم یاد آمد و نژ گلشن و منظر.

۲. برخی این عبارت را حدیث نبوی دانسته‌اند و برخی آن را منتسب به انوشیروان می‌دانند، برای توضیح بیشتر ر. ک. به: یادداشت‌های مدرس رضوی بر **سیر و سلوک** در مجموعه رسائل صفحه ۱۱۵.

۳. دیوان ابوالعناهیة، چاپ دمشق: ۱۹۶۵، ص ۱۰۴.

این رساله‌ها به صورتی مختصر معرفی می‌شوند و در پایان هم رساله‌های کم‌اهمیت‌تر ذکر می‌گردند. از پی این بخش، متن مترجم سیر و سلوک می‌آید که خوب و روان و دقیق و در پاره‌ای موارد، تحسین برانگیز است و از صفحه ۲۱ تا ۵۴ کتاب را در برمی‌گیرد. مهم‌تر از همه چیز در این بخش، اندیشیدن مترجم یا ذهنیت انگلیسی و سپس ترجمه مطالب به انگلیسی است. یعنی کمتر مطلبی در کل ترجمه دیده می‌شود که با ذهنیتی فارسی یا عربی اما در قالب زبان انگلیسی گفته شده باشد. کاری که آفت غالب ترجمه‌ها در روزگار ماست. مترجم ابتدا مفهوم کلام خواجه را در ذهنیتی انگلیسی اندیشیده بعد آن مفهوم را در واژگان انگلیسی نمایانده است. ذکر همه موارد، کلام را به اطناب می‌کشاند، اما برای آشنایی با نوع کار او یک نمونه ذکر شد و دو نمونه دیگر هم آورده می‌شود.



الف: این کلام مشهور

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِأُمَّةٍ خَيْرًا جَعَلَ الْمُلْكَ فِي عُلَمَائِهَا وَالْعِلْمَ فِي مُلُوكِهَا ۲
(صفحه ۱)

ترجمه:

"When God the exalted desires good for a people, He entrusts the rule to its men of knowledge and knowledge to its rulers. (p. 23)

ب: در ترجمه این شعر ابوالعناهیة

وَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَهُ آيَةٌ

تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ وَاحِدٌ ۳